

سکوت رفقای مبارز و برادران مجاهد

نخست میخوام توجه خواننده را به یک قصه جلب کنم و بعد به اصل موضوع که آن سکوت حلقات حاکم کنونی و احزاب و سازمانهای کشورما در برابر اظهارات اخیر رابرت بیک ویل سفیراسبق ایالات متحده در دهلی است بپردازم. میگویند که در یکی از نبردهای جنگ دوم جهانی تعدادی از نظامیان شوروی کشته شدند که تثبیت هویت شان ناممکن بود. در بین کشته شدگان یکی از فعالان حزبی نیز وجود داشت که میباید او تثبیت می شد. قوماندان قطعاً شوروی هدایت میدهد که کشته شده بدقت دیده شود و زبان هرکسیکه شورمیخورد او کارمند سیاسی است بنظر قوماندان چون فعالان سیاسی پیوسته مصروف تبلیغ هستند ازینرو زبان شان بعد از مرگ هم شور میخورد. آنچه در فوق گفته شد اگر فکاهی هم باشد اما در هر فکاهی بخشی از واقعیت نهفته است. اما فعالان سیاسی احزاب راجستر شده در وزارت عدلیه افغانستان برعکس آنچه در فوق گفته شد عمل میکنند و در برابر حوادث و قضایای ناگوار کشور و تبلیغات دشمنان افغانستان متحد و یک پارچه سکوت را ترجیح داده و عکس العملی از خود نشان نمیدهند. بعد از سرنگونی طالبان ما شاهد روئیدن سمارق وار سازمانها و احزاب با پسوندها و پیشندهای دلپذیر چون ملی، اسلامی و دموکراتیک هم در داخل و هم در خارج از کشوری باشیم. تعداد این احزاب چون نیروهای خارجی مستقر در کشور پیوسته افزایش مییابد. آنچنانکه با افزایش نیروهای خارجی در کشور وضعیت امنیتی وخیمتر و نا رضایتی مردم از حضور این نیروها بیشتر می گردد با افزایش این احزاب موجودیت آنها در جامعه کمزنگتر و غیر محسوستر میگردد که عجایب افغانستان بعد از طالبان را نشان میدهد. ازینکه چرا حضور این احزاب در جامعه افغانی محسوس نیست علت آن در اینست که آنها هیچگاهی در برابر حوادث و قضایای ناگوار کشورما که پیوسته بوقوع می پیوندد و پخش اکاذیب، تبلیغات تخریش کننده در رسانه های داخلی و بیرون مرزی که به سلامت ملی و وحدت ملی کشورما صدمات جبران ناپذیری وارد میکند چنان سکوت اختیار نموده اند که گویا اعضای این احزاب گوش و چشم ندارند که بشنوند و ببینند یا اینکه زبان ندارند تا در برابر مداخلات دشمنان افغانستان در امور داخلی کشور شان صدای اعتراض شانرا بلند نمایند و خواسته ها، اعتراضات و دردهای مردم مارا در تبلیغات خویش انعکاس دهند.

ایجاد و تشکیل بلاوقه چنین سازمانها و احزاب متعدد که از یکسو بحران و تشتت فکری را در جامعه نشان می دهد از جانب دیگرچنین نیز بنظر میرسد که ایجادگر و تمویل کننده برخی ازین سازمانها حکومت و حامیان خارجی آن میباشد که ما در زمان حضور نیروهای شوروی در افغانستان شاهد ایجاد چنین احزاب بودیم، احزابیکه موجودیت آنها در جامعه محسوس نبود و مردم آنها احزاب حکومتی مینامیدند. در قانون اساسی کشور آمده است که منسوبین نیروهای امنیتی اجازه فعالیت های سیاسی ندارند در حالیکه در رهبری برخی از این سازمانها منسوبین عالی رتبه ارگان های امنیتی کشور قرار دارند که اگر از یکسو نقض قانون اساسی است از جانب دیگر این تصور را به واقعیت میدل میسازد که این سازمان ها سازمان های مخفی دولتی اند که دیموکراسی افغانستان بعد از طالبان را بنمایش میگذارند. برخی از صاحب نظران و روشنفکران تعدد احزاب افغانستان بعد از طالبان را دست آورد حضور دوستان امریکایی و قدمی بسوی رسیدن به جامعه مدنی می شمارند در حالیکه این احزاب خود یک دیگر را عمال بیگانه و یا احزاب انجویی مینامند چنانچه نشر مطلبی تحت عنوان چند سخن عریان با اعضای حزب وطن مدرک انکار نا پذیر این واقعیت است که احزاب موجود یک دیگر را وابسته به دیگران میدانند. نویسنده مطلب که انقلابی دیروز و دموکرات امروز میباشد تحلیل عالمانه از پارچه های جدا شده از بدنه حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد حزب وطن نموده است. او همه سازمان های ایجاد شده از بدنه حزب مذکور را احزاب ایدیولوژیک، وابسته به دیگران و امثالهم معرفی داشته و تنها سازمان خود را یگانه حزب شایسته و رهبر آنها مبارز نستوه و قابل قدر معرفی نموده در حالیکه سیاست های ناسنجیده، بازیهای ابرتلفی و برخورد های شدیداً گروهی چنین رهبر استثنایی در تعمیق فاجعه افغانستان نقش مرکزی و نهایت منفی خود را بازی نمود. احزاب راجستر شده در وزارت عدلیه نتوانستند تا از پالیسی های غلط امریکایی سالهای اخیر که گاه گاهی مقامات امریکایی هم بنا بر ملحوظاتی چون اظهارات غیرمسئولانه سفیر قبلی امریکا در دهلی چیزی بگویند.

این احزاب که از بطن سازمانهای دهه دیموکراسی پا بعرصه وجود گذاشته اند آنها طی سالهای دهه دیموکراسی در کشور در مورد حادثه بهمه معلوم سه عقرب که یکتن توسط نیروهای امنیتی وقت کشته شد همه ساله با بر گزاری راهپیمایی ها، مظاهرات و میتینگ ها بحیث یک جنایت حکومت یاد میکردند که عده ازین مبارزان تا الحال با رسیدن ماه عقرب ازین حادثه ناگوار یاد آوری میکنند. اگر ما از گذشته نه چندان دور و از برخورد های خشن حاکمیت های انقلابی، تنظیمی و طالبانی در برابر مردم بگذریم و به واقعیت های افغانستان بعد از طالبان مکث کنیم

ما شاهد کشتار جمعی از جانب نیروهای دول مدعی دیموکراسی و حقوق بشر در ارزگان، ژیری کندهار، هلمند، عزیز آباد هرات، دای کندي، کندز، کاپیسا، کنرها و سایر مناطق کشور هستیم که بر شماری هر کدام آن به طویل شدن مطلب منجر میشود. اما این احزاب در اعتراض به کشتارهای جمعی توسط نیروهای ناتو نه راهپیمایی را سازمان دادند نه اعلامیه صادر نمودند و نه در جنب مظاهرات خود جوش مردم ما قرار گرفتند. این احزاب همه خود را بلا استثنی متعهد به منافع ملی و افغانستان متحد و تجزیه ناپذیر می‌شمارند و صفوف خود را وطندوستان راستین و مسلمانان مؤمن می‌پندارند و دیگران را که به زعم آنها به مبارزه فعال سیاسی متصل نگردیده اند بی تفاوت به سرنوشت مردم و وطن دانسته مورد نکوهش قرار میدهند.

رفقای مبارز، برادران مجاهد!

شما که احزاب خود را دارید و مبارزه سازماندهی شده رابه پیش میبرید آیا سکوت سوال برانگیز شما گلهای سرسبد جامعه افغانی در مورد اظهارات سفیر سابق امریکا در دهلی را نمیتوان دلیلی بر بی تفاوتی تان در برابر وطن و مردم تلقی نمود؟ شما که خود را متعهد به منافع ملی و افغانستان واحد و تجزیه ناپذیر می‌شمارید که خواست هر باشنده شریف این سرزمین اعم از ازبک، پشتون، تاجک، هزاره و دیگران است وقتی در برابر اظهارات یک دیپلمات کهنه کار دولت ایکه در افغانستان حرف آخر را میزند و به حکومت متبوع خویش پیشنهاد مینماید که ستراتژی فعلی افغانستان کار آمد نیست و باید شیوه های تازه بکار گرفته شود...، افغانستان موقتاً بدو بخش تقسیم گردد که بخشی جنوبی کشور به طالبان واگذار گردد و بخش های شمالی بشمول کابل به دولت کنونی تعلق بگیرد عکس العمل نشان نمیدهد چگونه میتوان آنرا جدی گرفت؟

آیا شما پیشاهنگان مبارز و مجاهدین سر سپرده چنین اظهارات را تجزیه کشور نمیدانید؟ ممکن خواهید گفت که این نظردولت امریکا نیست و نظرشخصی یک تبعه امریکایی است آیا بازم ارزش آنرا ندارد تا موقف خود را در زمینه ابراز دارید؟ ممکن بگوئید که دولت هم کدام عکس العملی در برابر اظهارات دیپلمات امریکایی نشان نداد ما چی کاره هستیم که در چنین قضایای بزرگ که از آن بوی قورمه میآید حرفی داشته باشیم. از دولت کنونی که محصول تجاوز است و بقای آن با پشتیبانی نیروهای مستقر خارجی در کشور گره خورده عکس العمل آن میتواند عواقب ناگواری برای آن داشته باشد. اگر شما هم از برکت حضور بیگانگان بچنین موقف دست نیافته اید و بقای احزاب تان با پشتیبانی دیگران گره نخورده است پس چرا در مورد اظهارات ضد افغانی یک دیپلمات که به سلامت ملی و یکپارچگی افغانستان صدمه میرساند و زنگ خطر است چرا سکوت اختیار نموده اید؟

البته تنها رفقای مبارز و برادران مجاهد نیستند که در زمینه واکنشی نشان ندادند بلکه تکنوکرات هاییکه جز ترکیبی حاکمیت کنونی میباشد و خود را در قضایای خونبار فاجعه افغانستان مستقیماً دیدخل نمیدانند و پیوسته عملکرد بازیگران اصلی بحران کنونی افغانستان اعم از جهادی، طالبی و انقلابی را مورد انتقاد قرار داده اند ولی در برابر حوادث خونبار و ناگوار چون بمباردمان های کور نیروهای ناتو، سرکوب مظاهرات صلح آمیز محصلین مؤسسات تعلیمی کشور، تجاوزات جنسی، غضب مالکیت های دولتی و دارایی های مردم، توهین به مقدسات و عنعنات مردم و امثالهم چنان خاموشی اختیار نموده اند هم سوال برانگیز است.

با تأسف باید گفت که طی سال های بحران که وارد سی و هشتمین سال خویش گردید همه گروه های سیاسی و شخصیت های مطرح بدرجات متفاوتی در آن دیدخل بودند. بر ماست تا ازین بحران دیرپای می آموختیم که با تأسف از آن نیاموختیم. آنچه از سال های دشوار جنگ و تجاوز بیگانگان به حریم مقدس کشور باید می آموختیم اینست که یگانه راه خروج از منجلاب کنونی حل مسالمت آمیز معضله است که منشور ملل متحد هم جنگ را راه حل معضلات ندانسته که با لشکرکشی نیروهای نظامی امریکا - انگلستان بر حریم کشور ما منشور ملل متحد نقض گردید که نتیجه منطقی چنین حرکت وضعیت کنونی افغانستان است. خواست زمان اینست که مثلث درگیر معضله افغانستان (حاکمیت کنونی، مخالفین مسلح وناتو) مشی مصالحه و گفتگوی سازنده را در پیش گیرند و مصالحه را نه بحیث وسیله تبلیغاتی بلکه هدف قرار دهند و یا چنان شروطی را ارائه نمایند که به جوانب متخاصم قابل قبول نباشد و انگیزه یا دلیل رویا روی کنونی را تشکیل میدهد. آنها بیکیه جنگ کنونی را بر مردم ما تحمیل کردند و فعلاً با مشکلات معینی در این سرزمین آزادیخواهان مواجه اند می خواهند با تجزیه کشور ما که افغانها بآن تن نخواهد داد و از تمامیت ارضی افغانستان واحد حراست خواهند کرد به تداوم جنگ ادامه دهند که نباید بآن اجازه داد.

پایان

د پائو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ